

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۵، پیاپی ۱۴۵، پاییز ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۷۹-۱۵۷

معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه نویافته در بافت تاریخی شهر یزد^۱

سید فضل‌اله میردهقان اشکذری^۲
یداله حیدری باباکمال^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

چکیده

مفاهیم و تاریخ‌های به کار رفته در کتیبه بناهای تاریخی، اطلاعات ارزشمندی را درباره تاریخ ساخت و شرایط سیاسی و حکومتی زمان خود به دست می‌دهند. یکی از نمونه‌های جالب توجه در این زمینه، کتیبه کارگاه شُعبافی در محله «شاه‌ابوالقاسم» بافت تاریخی شهر یزد است که بر آن سال ۹۲۱ق. درج شده است. البته بررسی‌های بیشتر بر روی کتیبه‌ها و نقوشی که آن را تزئین کرده‌اند، نشان‌دهنده عدم تطبیق تاریخ درج‌شده با زمان اجرای کتیبه است. بنابراین در مقاله پیش رو با رویکرد تاریخی-تحلیلی سعی بر آن بوده است که ابهام ایجادشده برطرف و ماهیت دقیق کتیبه‌ها و نقوش مشخص شود. مهم‌ترین سؤالات پژوهش حاضر عبارت است از: ۱. دلیل عدم تعلق کتیبه شناسایی شده به دوره صفوی چیست؟ ۲. براساس شواهد موجود، کتیبه مذکور به چه دوره‌ای تاریخ‌گذاری می‌شود؟ این کتیبه با نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی تزئین شده و فاصله بین دو قاب‌نما را نقوش گیاهی محصور کرده است. مضامین کتیبه یادشده آیات قرآنی، ادعیه، جملات عربی و اشعار فارسی مانند ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی است و در دو مورد نیز نقش خورشیدخانم اجرا شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نقش خورشیدخانم و نحوه اجرای این نقش، مانند طره‌های پیچان مو و ابروهای پیوسته به همراه چشمان درشت، به خوبی با

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2021.32995.2316

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.55.7.5

۲. استادیار گروه ایران‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

s.mirdehqan@basu.ac.ir

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Y.Heydari@tabriziau.ac.ir

نمونه‌های اجرا شده در دوره قاجار قابل مقایسه است. همچنین محتشم کاشانی نیز از شاعران دربار شاه طهماسب بوده و به احتمال زیاد ترکیب‌بند معروف خود را در این دوره سروده است. نحوه قاب‌بندی اجرا شده در کتیبه مذکور با حسینیه ناظم‌التجار یزد و یا خانه ملکزاده مربوط به دوره قاجار قابل مقایسه است. با توجه به دلایل ذکر شده، می‌توان تاریخ درج شده را فاقد اصالت و کتیبه مذکور را مربوط به دوره قاجار دانست. **واژه‌های کلیدی:** شهر یزد، محله شاه‌ابوالقاسم، کتیبه‌نگاری، تاریخ‌گذاری، شواهد تاریخی، محتشم کاشانی

مقدمه

تاریخ‌گذاری به کار رفته در بناهای تاریخی، نشان‌دهنده تاریخ ساخت و تعلق آن به حاکمیت یا پادشاهی خاصی است، اما در مواردی استثناء مفاهیم و یا نقوش به کار رفته در ساخت، با تاریخ درج شده بر آن همخوانی ندارد. این موضوع می‌تواند در ارتباط با نسبت دادن نادرست اعتبار یک حاکم به حاکم دیگری در دوره جدیدتر باشد که به تغییر تاریخ ساخت بر روی برخی بناها و یا آثار تاریخی منجر شده است. در دوره اسلامی این موضوع مشهود بوده و نمونه‌هایی از آن با بررسی دقیق قابل ردیابی است؛ چنان‌که با مطالعه بافت تاریخی شهر یزد می‌توان نمونه‌هایی از این موارد را بازشناسی کرد. بافت تاریخی شهر یزد یکی از منسجم‌ترین بافت‌های خشتی ایران است که بخش زیادی از آنها شناسایی و بررسی شده‌اند، اما هنوز آثار متعدد دیگری همچنان ناشناخته باقی مانده‌اند. یکی از آثار اخیراً شناسایی شده، کتیبه کارگاه شَعربافی در محله شاه ابوالقاسم است. این کتیبه با فاصله از کف زمین، به صورت نواری ممتد دورتادور کارگاه را در برمی‌گرفته و اگرچه بخش‌هایی از آن به دلیل ریزش دیواره کارگاه تخریب شده، ولی هنوز قسمت‌های قابل توجهی از آن باقی مانده است. کتیبه مذکور دارای موضوع مذهبی و با نقوش مختلفی از جمله گیاهی، حیوانی، هندسی و کتیبه تزئین شده است. براساس تاریخ درج شده که در کُنج یکی از طاقچه‌های کارگاه قرار داشت، می‌توان آن را به دوره شاه‌اسماعیل صفوی نسبت داد. با وجود این، شواهدی مبنی بر تردید در اصالت کتیبه مذکور وجود دارد که مبنای پژوهش حاضر برای ارائه مستندات تاریخی لازم برای انتساب ماهیت دقیق کتیبه و نقوش یادشده است. بر همین اساس، سؤالات این مقاله عبارت است از:

۱. چرا کتیبه شناسایی شده را نمی‌توان به دوره صفوی تاریخ‌گذاری کرد؟ ۲. براساس شواهد موجود، کتیبه مذکور به چه دوره‌ای تاریخ‌گذاری می‌شود؟

رویکرد این مقاله توصیفی-تاریخی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز به دو روش

گردآوری شده است. ابتدا به عکاسی، مستندسازی و طراحی کتیبه مذکور پرداخته شده و سپس متناسب با موضوع مورد بحث، اطلاعات کتابخانه‌ای لازم گردآوری شده و با استفاده از یافته‌های به دست آمده از مرحله قبل، تجزیه و تحلیل نهایی صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

درباره بافت تاریخی شهر یزد مطالعات بسیاری در قالب مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته که بر پایه بناهای تاریخی ارزشمند بافت به انجام رسیده است. با این حال، همچنان بسیاری از بناهای تاریخی ارزشمند ناشناخته مانده‌اند که یکی از آنها کارگاه شعربافی مورد بحث در مقاله است. بر همین اساس، پژوهش پیش رو درصدد است به تاریخ‌گذاری صحیح کارگاه شعربافی با توجه به مستندات تاریخی بپردازد. با توجه به اینکه تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی درباره این کتیبه صورت نگرفته، پژوهش پیش رو نخستین تلاشی است که در این زمینه انجام گرفته است.

موقعیت مکانی کتیبه

کتیبه مورد بررسی در پژوهش حاضر، در یک کارگاه شعربافی در محله شاه‌ابوالقاسم شهر یزد قرار دارد. این محله از جهت شمال به محله «کوشک‌نو»، از جنوب به محلات «دروازه شاهی» و «چهارسوق»، از شرق به محلات «فهادان»، «بازارنو»، «وقت‌الساعت» و از غرب به محله «لردکیوان» و خیابان «سید گل‌سرخ» محدود می‌شود (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۸۴) (تصویر ۱). نام این محله مأخوذ از نام مدرسه‌ای است که در این محله وجود دارد، اما امروزه تنها سردر و کریاس این مدرسه باقی مانده است و مسجدی به جای آن ساخته‌اند (افشار، ۱۳۷۵: ۶۰۴/۲).

کارگاه شعربافی یک پلان مستطیلی دارد که امروزه پوشش و جبهه جنوب شرقی آن به‌طور کلی تخریب شده است. در گذشته پوشش گنبدی‌شکل، سقف بنا را تشکیل می‌داد که با تعبیه نورگیر در فواصل مختلف، بخشی از نور مورد نیاز آن را تأمین می‌کرد. بخش دیگری از آن به‌وسیله پنجره کوچکی واقع در جبهه جنوب غربی فراهم می‌شد. ورودی کارگاه درب کوچکی به ارتفاع یک متر است که به‌وسیله چند پله فرد را به فضای اصلی هدایت می‌کند. دیوارهای آن ابتدا به‌وسیله کاهگل و سپس به‌وسیله گچ اندود شده‌اند (تصویر ۲). براساس گفته افراد محلی، در آخرین کاربری، از بنای مذکور به عنوان کارگاه شعربافی استفاده می‌شد که بقایای آثار این فعالیت در میان آوارها مشهود است. مصالح به کار رفته در این ساختمان

۱۶۰ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه نو یافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...

خشت و گل بوده و دارای دیوارهای قطور با ضخامت بیش از نیم متر است. به‌طور کلی کارگاه‌های شعربافی را پایین‌تر از سطح کوچه مجاور احداث می‌کردند که به وسیله چند پله و یک درب کوچک چوبی به محیط خارج دسترسی داشته است. درب کارگاه اغلب یک لنگه بسیار کوتاه بوده است که به صورت پاشنه‌گرد باز و بسته و از بیرون نیز با چفد و بست کلون بسته می‌شد (رمضانخانی ۱۳۸۷: ۱۱۵، ۱۱۶).

توصیف کتیبه

این کتیبه به صورت نواری ممتد، دورتادور فضای داخلی بنا را در ارتفاع حدود ۱۵۰ سانتیمتری آن فرا گرفته که به‌جز جبهه جنوب شرقی، بخش‌های دیگر باقی مانده‌اند. به منظور ایجاد کتیبه و تزئینات به کار رفته در آن، ابتدا کلمات و نقوش را با رنگ اخرایمی قلم‌گیری کرده و سپس فضای مورد نظر را با رنگ آبی پر کرده‌اند. تمام جملات و عبارات در داخل قاب‌نماهای تزئینی ترنجی، در دو اندازه مختلف نوشته شده است. جملات بزرگ‌تر در قاب‌های بزرگ نوشته شده و بین دو قاب بزرگ، قاب کوچکی کشیده شده است. برای نوشتن این کتیبه، از دو خط نسخ و نستعلیق با کیفیت اجرایی پایین استفاده شده است. همچنین در دو مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» را با ترکیبی از خط نسخ و طغرا نوشته‌اند و به وسیله عناصر دیگر، مانند نقوش گیاهی و حیوانی تزئین کرده‌اند (تصاویر ۳-۶). متن کتیبه مذکور از لحاظ مضمون به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

- آیات قرآنی: آیات قرآنی نقش شده عموماً حاوی مضامین فتح و پیروزی‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به آیه اول سوره «فتح» اشاره کرد. همچنین در بین این آیات، آیه ۵۱ سوره «قلم» وجود دارد که از لحاظ مضمون با آیه‌های دیگر تفاوت دارد (تصویر ۷ و ۸).

- جملات منادا: از جمله عناصر دیگر تشکیل‌دهنده این کتیبه، جملات منادا است که در قاب‌نماهای کوچک‌تر نوشته شده است؛ از جمله می‌توان به «وا حسیناه»، «وا محمداه» و «وا علیاه» اشاره کرد (تصویر ۹ و ۱۰).

- اذکار: اذکار نیز همانند جملات منادا در قاب‌نماهای کوچک‌تر قرار دارند که در بین آنها ذکر «یا کریم» و «یا رحیم» بیشتر تکرار شده است (تصویر ۱۱ و ۱۲).

- صلوات بر پیامبر: تنها در یک مورد بر پیامبر (ص) صلوات و درود فرستاده شده است: «و صل الله [علی] محمد ابن طاهر». در این جمله کلمه «علی» از قلم افتاده است (تصویر ۱۳ و ۱۴).

- اشعار مذهبی: از اشعار مذهبی کتیبه، ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی است که حدود چند بیت از این شعر را شامل می‌شود (تصویر ۱۵ و ۱۶). مطلع این ترکیب‌بند نیز چنین است: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است...».

علاوه بر این اشعار، اشعار دیگری نیز وجود دارد که به دلیل فرسایش به وسیله آب باران، بخش‌هایی از آنها آسیب دیده است (تصویر ۱۷ و ۱۸). این ابیات به شرح زیر است:

حق نبندد در به روی هیچ کس این سخن از آزادگان است و بس
گر به فریاد کسی روزی رسی حق بفریادت رسد فریادرس

- ادعیه: از جمله ادعیه این کتیبه، دعای «ناد علی» است که با عنوان دو دعا با عبارت «نادِ عَلِيًّا مَظْهَرًا (یا مُظْهَرًا الْعَجَائِبَ)» آغاز می‌شود. این دعا در کتاب بحار الانوار نقل شده، ولی گوینده آن معلوم نیست (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۳/۲۰). «ناد علی کبیر» دعایی است با همان آغاز و مضمون که از نظر حجم هشت برابر «ناد علی صغیر» است. مضمون این دعاها بیان فضایی از علی بن ابی طالب (ع) و توسل جستن به وی است. دعای ناد علی که در این کتیبه نوشته شده، ناد علی صغیر است که در چهار قاب‌نمای بزرگ تحریر شده است (تصویر ۱۹ و ۲۰). دعای دیگری که در این کتیبه نوشته شده و بخش‌های بسیار کمی از آن باقی مانده، دعای توسل است که در شب‌های قدر خوانده می‌شود. از این دعا تنها یک جمله باقی مانده و احتمالاً تمامی جبهه جنوب شرقی را که تخریب شده، در برمی‌گرفته است.

- نقوش تزئینی

کتیبه مذکور با استفاده از نقوش مختلفی تزئین شده است که از جمله آنها می‌توان به نقوش گیاهی، هندسی، حیوانی و انسانی اشاره کرد.

- نقوش گیاهی

همان‌طور که در سطور قبل نیز گفته شد، متن کتیبه در داخل قاب‌نماهای کوچک و بزرگ نوشته شده که به صورت یک در میان تکرار شده است. فواصل بین قاب‌نماها به وسیله گل‌های کوچکی تزئین شده‌اند که به صورت نیمه و پنج‌پر در بالا و پایین حاشیه‌ها نقش شده‌اند. در قاب‌نماهای کوچک نیز دو گل هشت‌پر در دو طرف متن ذکر شده کشیده شده‌اند که گلبرگ‌های آنها یک در میان به رنگ‌های آبی و سفید است.

از جمله عناصر گیاهی دیگر می‌توان به شاخه‌های گل اشاره کرد که تنها در دو طرف جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» تکرار شده است. در یک مورد در کنار برخی از این شاخه‌های گل، از نقش یک پرند به عنوان عنصر تزئینی استفاده شده است (تصویر ۳ و ۴).

- نقوش انسانی

یکی از عناصر تزئینی این کتیبه، استفاده از نقوش انسانی در تزئین یکی از قاب‌نماها است. این نقش در اصل تصویری از یک چهره زنانه است که در اصطلاح به آن «خورشیدخانم» گفته می‌شود و هنوز هم بر روی سفالینه‌ها و آثار هنری دوره قاجار، از جمله کاشی‌کاری، نگارگری، فلزکاری، آینه‌کاری، قالی و حتی تمبرهای این دوره دیده می‌شود. از این نقش دو مورد تصویر شده است؛ یک مورد در طاقچه‌ای است که تاریخ کتیبه در آن درج شده و نمونه دوم به صورت قرینه نسبت به آن ایجاد شده است. در این نقش، طره‌های مو در دو طرف صورت به‌طور هلالی شکل بر روی گونه‌ها کشیده شده است. چشم‌ها درشت و ابروها به صورت پیوسته تصویر شده است و بینی به صورت خط نازکی تا پایین صورت امتداد دارد و به دلیل کمبود فضا، برای اجرای نقش دهان به بینی چسبیده است. در وسط پیشانی نیز خال مثالی شکل کشیده شده است (تصویر ۲۱ و ۲۲).

- نقوش حیوانی

تنها در یک مورد از نقوش حیوانی برای تزئین این کتیبه استفاده شده است. در این مورد، پرنده هدهد ترسیم شده سر خود را به سمت عبارت «بسم الله» برگردانده است. ترکیب نقش این پرنده، همراه با نقوش گیاهی که عبارت مذکور را تزئین کرده‌اند، می‌تواند یادآور نقش گل و مرغ باشد که از دوره صفویه در نگارگری ایران رواج یافته است (تصویر ۳ و ۴).

- نقوش هندسی

مهم‌ترین نقوش هندسی مورد استفاده در تزئین این کتیبه، قاب‌نماهای تزئینی ترنجی شکل است که در دو اندازه بزرگ و کوچک و به صورت یک در میان، سراسر آن را در بر گرفته است. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، در قاب‌نماهای بزرگ جملاتی مانند آیات قرآن، اشعار مذهبی و ادعیه و در قاب‌نماهای کوچک‌تر جملات منادا ذکر شده است. نمونه‌های قابل مقایسه با این قاب‌نماها را می‌توان در برخی از خانه‌های تاریخی شهر یزد یافت که بیشتر آنها حاوی اشعار مذهبی‌اند.

بحث و تحلیل

یکی از مهم‌ترین نکاتی که درباره این کتیبه مطرح است، چرایی وجود چنین کتیبه‌ای در یک کارگاه شعربافی و درج تاریخی فاقد اصالت برای آن است. در بررسی‌هایی که نگارنده اول در زمان کشف کتیبه انجام داد، مشخص شد که این کارگاه در اواخر دوره قاجار متعلق به شخصی بوده است که به آیین بهائیت بوده و بعداً تحت مالکیت مسلمانان قرار گرفت. از جمله اتفاقاتی

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۶۳

که در اواخر دوره قاجار در شهر یزد افتاد، حادثه قتل پیروان فرقه بابیه بوده است که شرح آن در کتابی با عنوان *تاریخچه شهدای یزد* توسط حاجی محمدطاهر مالمیری در سال ۱۳۳۰ق. به رشته تحریر درآمد و در سال ۱۳۴۷ق. توسط فرج‌الله ذکی الکردی در قاهره به چاپ رسید (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۰).^۱ به عقیده نگارندگان، شاید دلیل تحریر چنین کتیبه‌ای احساس خطر مالکان بهایی کارگاه بوده و سعی کرده‌اند با نوشتن این کتیبه و درج تاریخی غیراصیل، به نوعی مسلمان بودن خود را بیان کنند تا از کشتار به وجود آمده در امان بمانند.

نمونه‌هایی از کتیبه‌های غیراصیل را می‌توان در برخی از آثار تاریخی مشاهده کرد. برای مثال، می‌توان به نقش برجسته بهرام اول ساسانی در تنگ چوگان بیشاپور اشاره کرد. در این نقش برجسته، نرسی نقش بهرام سوم را در زیر پای اسب نرسی اضافه کرده و با افزودن یک کتیبه، نقش را به نام خود مصادره کرده است. علت این امر را می‌توان به اختلافاتی که در امر جانشینی پس از هرمز یکم به وجود آمد، جست‌وجو کرد (موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

از نمونه‌های مشابه دیگر می‌توان به کتیبه مأمون خلیفه عباسی در قبه‌الصخره اشاره کرد که نخستین بنای اسلامی دارای کتیبه کوفی است. این بنا در سال ۷۲ق. و توسط عبدالملک بن مروان ساخته شده است، اما مأمون خلیفه عباسی، در سال ۲۱۵ق. با انجام تغییراتی در قبه‌الصخره، با از بین بردن نام عبدالملک، نام خود را به جای نام او نوشته است. البته تاریخ ۷۲ق. را تغییر نداد. در کتیبه مسجد آمده است: «این گنبد توسط خادم خداوند عبدالله خلیفه مأمون در سال ۷۲ هـ ق ساخته شد. شاید این اثر مورد رضای خدا باشد» (حبیبی، ۱۳۹۷: ۲۵). در نمونه دیگر، در سال ۲۲۴ق. امیر قرطبه به ساخت مسجدی بزرگ در البیره دستور داد که شواهدی از آن در حفاری‌های صورت گرفته در سال ۱۸۷۸م. به دست آمده است. آنها به منظور ساخت این مسجد، وجود مسجدی قدیمی را بهانه کردند که توسط فردی به نام «هنش بن عبدالله» ساخته شده بود، اما در کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، هیچ‌گونه آثاری از این مسجد قدیمی به دست نیامد و احتمال دارد فردی به نام هنش بن عبدالله وجود خارجی نداشته باشد و این احتمال وجود دارد که هدف سازندگان مسجد جدید، صرفاً کسب مشروعیت از مردم بوده است (Carvajal, 2013: 67).

همانند نمونه‌های یادشده، تاریخ درج شده در کتیبه سال ۹۲۱ق. است (تصویر ۲۳ و ۲۴)، اما نکته قابل توجه، عدم تطابق تاریخ درج شده در کتیبه با ویژگی‌های تزئینی آن است که

۱. گفتنی است که امروزه استفاده از این کتاب، به دلیل پرداختن به مباحث فوق، ممنوع است.

باعث می‌شود تاریخ دیگری برای آن پیشنهاد شود. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وجود مرثیه محتشم کاشانی: محتشم کاشانی یکی از معروف‌ترین شاعران مرثیه‌سرای ایران است که در سال ۹۰۵ق. در کاشان متولد شد و در سال ۹۹۶ق. از دنیا رفت. شغل اصلی وی بزازی و شعربافی بوده است. او در جوانی به دربار شاه‌طهماسب راه یافت و به دلیل اشعارش مورد توجه شاه قرار گرفت؛ به همین دلیل بیشتر به عنوان شاعر دوره شاه‌طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) شناخته می‌شود (رضازاده شفق، ۱۳۲۱: ۳۶۹). این شاعر در جوانی غزل‌های زیبایی می‌سرود و حتی به مدیحه گفتن نیز اشتغال داشت، ولی پس از مدتی به ملاحظه تمایل دینی و احساسات تشیع در دربار صفوی، موضوع تازه‌ای پیش آورد: «... مولانا محتشم کاشانی قصیده‌ای در مدح آن حضرت [شاه‌طهماسب] و قصیده دیگری در مدح مخدره زمان شهزاده پریخان خانم به نظم درآورده از کاشان فرستاده بود بوسیله شهزاده مذکور معروض گشت. شاه جنت‌مکان فرمودند که من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلایند. قصاید در شأن ولایت پناه و ائمه معصومین (ع) بگویند صله اول از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن از ما توقع نمایند» (صفا، ۱۳۶۸: ۷/۷۹۴). سپس وی به سرودن اشعار مذهبی و مرثیه‌های اهل بیت (ع) پرداخت که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. او پس از مدتی یکی از معروف‌ترین شاعران ایران در این سبک گردید (رضازاده شفق، ۱۳۲۱: ۳۶۹).

یکی از مهم‌ترین شعرهایی که از وی باقی مانده، ترکیب‌بند معروف او در رثای شهدای کربلاست که برخی آن را پرآوازه‌ترین مرثیه ادب فارسی و حتی جهان اسلام می‌دانند و از چنان محبوبیتی برخوردار شد که شاعر بزرگی مانند وحشی بافقی (متوفای ۹۹۲ق) سعی کرد از وی پیروی کند، اما در این امر توفیق نیافت (شیخ‌الاسلامی و عربی، ۱۳۸۱: ۲). با توجه به شواهد تاریخی، می‌توان گفت این مرثیه در دوره شاه‌طهماسب و زمانی که به توصیه وی به سرودن اشعار درباره اهل بیت (ع) مشغول گردید، سروده شده است و به همین دلیل نمی‌تواند با تاریخ درج‌شده در کتیبه مطابقت داشته باشد. نکته مهم دیگر آنکه نمونه کاملاً مشابه با این ترکیب‌بند، هم از نظر نوع خط (نستعلیق) و هم از نظر قالب‌نماهای تزئینی که شبیه به ترنج است، دقیقاً در کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ «تکیه معاون‌الملک» کرمانشاه، مربوط به اواخر دوره قاجار، اجرا شده است (تصویر ۲۵). پس زمان نگارش کتیبه در این کارگاه، دوره قاجار بوده است.

۲. وجود ابیاتی از درویش بلبل یزدی: درویش بلبل یکی از شاعران یزدی است که در

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۶۵

دوره قاجار زندگی می‌کرد. اگرچه مؤلف الذریعه (کاظمینی، ۱۳۸۲: ۲۶۹/۱) گفته است درویش دارای دیوان شعر بوده، اما از زندگی وی اطلاعات چندانی در دست نیست. در تذکره روز روشن - که در قرن سیزدهم قمری نوشته شده - درباره وی چنین آمده است: «بلبل یزدی از خوش‌نویان گلستان یزد است» (صبا، ۱۳۴۳: ۱۱۶). اشعار ذکر شده در این کتیبه، از معدود اشعاری است که از این شاعر یزدی باقی مانده است.

(<http://karizyazd.blogfa.com/post/1733>).

۳. وجود نقش خورشیدخانم: یکی از عناصر مهم تزئینی در هنر ایرانی-اسلامی که از تلفیق دو عنصر خورشید و زن تشکیل شده و در اعتقادات فرهنگی ادوار پیشین ایران زمین مورد ستایش قرار گرفته، نقش خورشیدخانم است. با توجه به اینکه زن در فرهنگ پیش از اسلام قدرت اول و بارور زمین به شمار می‌آمده، با خورشید به عنوان درخشان‌ترین، بارورترین و قدرتمندترین عنصر آسمانی قیاس و برابر دانسته می‌شد و با یکدیگر ترکیب می‌شدند (فروه‌شی، ۱۳۵۲: ۲۱).

اگرچه استفاده از این نقش در دوران پیش از اسلام و اسلامی رایج بوده، اما اوج کاربرد آن در دوره قاجار است. در این زمان علاوه بر بار معنایی نگاره مذکور، خورشیدخانم فرمی تزئینی یافته و در بسیاری از هنرهای تصویری به کار رفته است و در مواردی به عنوان نمادی از سلطنت، با شیر توأم و تصویر شده است (شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۹). عموماً پردازش نقش خورشید، آن هم به صورت تصویری و تلفیقی با عنصر زنانگی، از بار معنایی برخوردار است و به پیشینه افکاری دو عنصر خورشید و زن بر معانی نمادین نظیر اقتدار و باروری همراه با الفت و رحمت اشاره دارد و از دیگر سو، خورشید از هر بُعد بر الوهیت و قدرت پروردگار اشاره دارد که در کنار عنصر زنانگی، بر جمال ذات حق تعالی دلالت می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۴)؛ که این امر سبب ترویج این نگاره در دوره‌های گوناگون شده است (شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۹).

نقش خورشیدخانم به سبکی که در کتیبه مذکور دیده می‌شود، در آثار هنری متعددی از دوره قاجار بر جای مانده و در هنرهای مختلف این دوره استفاده شده است؛ از جمله می‌توان به کاشی‌کاری‌های تکیه معاون‌الملک کرمانشاه اشاره کرد که لچکی‌های ورودی حمام قاجاری حسن‌خان با تصویر شیر و خورشید تزئین شده است (خدیوی و مهدی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۰۰، ۱۰۲) (تصویر ۲۶). در کاشی‌نگاره دیگری، نقش خورشید در احاطه فرشتگان بال‌دار در زمینه آبی تصویر شده است که پرتوهای طلایی‌رنگ دور تا دور آن را فرا گرفته‌اند. موها به صورت طره‌های پیچان بر روی گونه جمع شده و چشم‌ها نیز درشت است. عدم پیوستگی ابروها تنها

تفاوتی است که این نقش با نمونه مورد مطالعه دارد (تصویر ۲۷). علاوه بر آن، نمونه‌هایی نیز در کاخ گلستان تصویر شده‌اند (تصویر ۲۸ و ۲۹). نمونه دیگر، نقش طرح شده بر بشقاب آبی و سفید متعلق به اواخر دوره قاجار در گنجینه موزه شهر میبد است. در مرکز بشقاب، نقش خورشید تصویر شده که دور تا دور آن را پرتوهایی به رنگ سیاه فرا گرفته است. تاریخ بشقاب ۱۳۳۱ق/۱۲۹۷ش. است (تصویر ۳۰). نمونه‌های قابل مقایسه با این نقش، نه تنها در موارد یادشده، بلکه در بسیاری از هنرهای این دوره ترسیم شده که نشان‌دهنده اهمیت نقش مزبور در این دوره است.

۴. وجود قاب‌نماهای تزئینی: همان‌طور که گفته شد، تمامی جملات و عبارات در داخل قاب‌نماهای تزئینی نوشته شده است. در قاب‌نماهای بزرگ‌تر آیات قرآنی، اشعار و یا ادعیه و در نمونه‌های کوچک‌تر اذکار و یا جملات منادا تکرار شده است. این شیوه تزئینی از دوره صفویه در برخی از بناها، مانند تکیه میر اصفهان (خسروی بیژان، ۱۳۹۸: ۴۲)، مسجد حکیم (خسروی بیژان و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۱) و مسجد امام اصفهان و مدرسه چهارباغ اصفهان (صالحی کاخکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۰) دیده می‌شود. در این زمان، به منظور هماهنگ شدن بیشتر با قلم نستعلیق، یکپاز کادرها تغییر شکل یافته و از چهارگوش به ترنج تبدیل شده و شکل قاب‌ها به سمت انحنا بیشتر پیش رفته است (خسروی بیژان و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۷). این روند در دوره قاجار نیز ادامه یافت و برخی از کتیبه‌های خط نستعلیق به این روش اجرا شده‌اند که برای نمونه، می‌توان به مسجد-مدرسه «سردار» اشاره کرد. این بنا توسط حسن‌خان و حسین‌خان از امرای فتحعلی‌شاه قاجار، در سال ۱۲۳۱ق. احداث شده است (زارعی، ۱۳۹۶: ۴۸۶). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تزئینی این مدرسه، کتیبه سنگی به خط نستعلیق ممتاز در دو سطر است که ابیاتی را در دو قاب‌نما نمایش داده و دور تا دور رُخ‌بام بنا، از هر سمت اجرا شده است (معتدی، ۱۳۹۵: ۳۲؛ شکاری نیری، ۱۳۹۷: ۹). در فاصله هر دو قاب‌نما، قاب‌نمای کوچک‌تری ترسیم شده که از این لحاظ قابل مقایسه با نمونه شناسایی شده در شهر یزد است. نحوه اجرای این نقوش را می‌توان در برخی از بناهای هم‌دوره، مانند حسینیه ناظم‌التجار شهر یزد دید. این بنا در دوره قاجار ساخته شده است و در محله گازرگاه قرار دارد. نقاشی‌های این حسینیه با دو مضمون طبیعت و کتیبه‌نگاری، در قسمت‌های مختلف آن مانند زیر تویزه‌ها، روی دیوار ستون‌ها، داخل طاقچه‌های بالای ازاره و زیر پاکار قوس‌ها اجرا شده است. از جمله کتیبه‌های آن می‌توان به عبارات «ادراکانی یا محمد یا علی» و «یا ابا عبدالله الحسین ادراکنی» اشاره کرد که داخل قاب‌نماهای تزئینی اجرا شده است (تصویر ۳۱). بخش اعظم کتیبه‌ها به ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی اختصاص یافته که زیر پاکار قوس‌ها اجرا

شده است (خاکباز الوندیان ۱۳۸۶: ۱۳۶). از این شیوه قاب‌بندی در گچ‌بری‌های تزئینی خانه‌های قاجاری یزد نیز استفاده شده است که برای نمونه می‌توان به خانه ملکزاده اشاره کرد. در تزئین نمای این بنا، قاب‌نمایی با گچ در دو اندازه متفاوت ایجاد شده است. در قاب‌نماهای بزرگ‌تر اشعاری با مضامین مختلف و در قاب‌نماهای کوچک‌تر عبارات مذهبی مانند «یا ابا عبدالله الحسین ادرکنی» نوشته شده است (تصویر ۳۲).

۵. وجود نواقص متعدد در کتیبه: علاوه بر تناقضات گفته‌شده در بالا، می‌توان به نواقص زیادی نظیر از قلم انداختن کلمه‌ای از یک جمله و یا ناقص گذاشتن قسمت‌هایی از آن اشاره کرد. در این باره ذکر صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام قابل توجه است که در آن کلمه «علی» از قلم افتاده است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده نوعی شتابزدگی در اجرای کتیبه باشد.

نتیجه‌گیری

کتیبه نویافته در محله شاه‌ابوالقاسم یکی از آثار جالب توجهی است که در بافت تاریخی شهر یزد شناسایی شده است. این کتیبه مضمونی مذهبی دارد و از منابع گوناگون برای ایجاد آن استفاده شده است. نکته جالب توجه وجود تاریخ ۹۲۱ق. برای اجرای آن است که با توجه به برخی شواهد نمی‌تواند اصالت لازم را داشته باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم انطباق، وجود شعر محتشم کاشانی شاعر دوره شاه‌طهماسب است؛ حال آنکه تاریخ درج‌شده همزمان با حکومت شاه‌اسماعیل اول است. از طرفی زمان ورود شعر مرثیه معروف وی به بناهای مذهبی را نمی‌توان زودتر از دوره قاجار دانست. همچنین می‌توان به شعر درویش بلبل یزدی اشاره کرد که با وجود اطلاعات اندک از وی، می‌دانیم که از شاعران دوره قاجار یزد بوده است. از موارد دیگر، نقش خورشیدخانم از شاخصه‌های هنری مشخص دوره قاجار است که در دو قسمت استفاده شده است. نمونه اجراشده با نمونه‌های دوره قاجار قابل مقایسه است؛ تصویر زنان در اوایل دوره صفویه به گونه دیگری اجرا می‌شد که کاملاً با نمونه‌های دوره قاجار متفاوت است. نحوه اجرای این نقش، مانند طره‌های پیچان مو و ابروهای پیوسته به همراه چشمان درشت، به خوبی با نمونه‌های اجراشده در دوره قاجار قابل مقایسه است. همچنین نحوه آرایش موها و ابروها با عکس زنان دوره قاجار مشابه است که نشان‌دهنده رواج این نوع آرایش در دوره مذکور است. با توجه به دلایل ذکر شده می‌توان کتیبه مذکور را فاقد اصالت و زمان اجرای آن را دوره قاجار دانست. نکته مبهم درباره این اثر، علت درج تاریخی قدیمی‌تر نسبت به زمان اجرای آن است که دلیلی بر عدم اصالت کتیبه محسوب می‌شود. نمونه مشابه این موضوع در قبل از دوران اسلامی، قرون نخستین اسلامی و حتی تا قرون متأخر اسلامی نیز

۱۶۸ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه‌ نو یافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...

رخ داده است. علاوه بر این، وجود چنین کتیبه‌ پرکاری در یک کارگاه شعربافی - که نوشته‌ها تماماً مضامین مذهبی دارند- می‌تواند نشان‌دهنده اعتقادات عمیق مذهبی مالک آن و علاقه خاص وی به اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

تصاویر



تصویر ۱: جانمایی محله شاه ابوالقاسم بر روی عکس هوایی سال ۱۳۸۳ و موقعیت قرارگیری

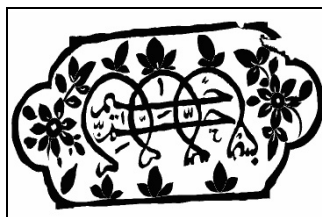
کارگاه یادشده بر روی آن (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد)



تصویر ۲: وضعیت کنونی کارگاه و کتیبه موجود در آن (نگارندگان، ۱۳۹۸)

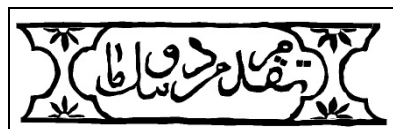


تصاویر ۵ و ۶: نمونه‌ای از ترکیب خط نسخ و طغرا همراه با نقوش حیوانی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

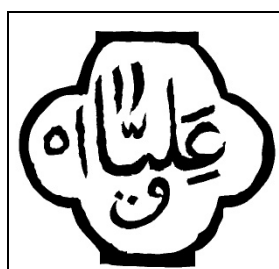


تصاویر ۳ و ۴: نمونه‌ای از ترکیب خط نسخ و طغرا همراه با نقوش گیاهی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

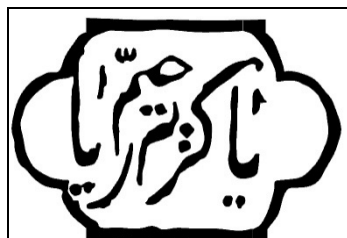
۱۷۰ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه نویافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...



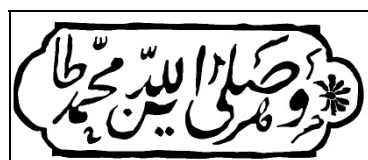
تصاویر ۷ و ۸: نمونه‌ای از آیات قرآنی داخل قاب‌نماهای تزئینی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصاویر ۹ و ۱۰: نمونه‌ای از جملات منادا (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصاویر ۱۱ و ۱۲: نمونه‌ای از اذکار ذکرشده (نگارندگان، ۱۳۹۸)



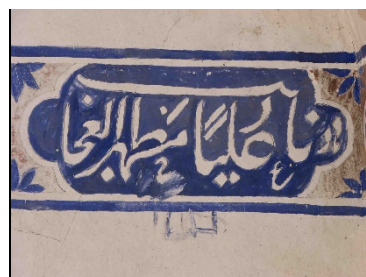
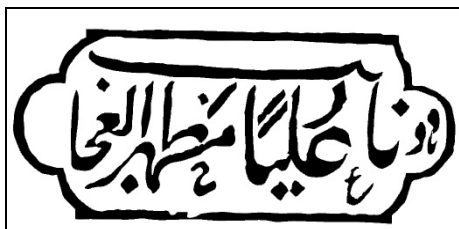
تصاویر ۱۳ و ۱۴: صلوات ذکرشده بر پیامبر (نگارندگان، ۱۳۹۸)



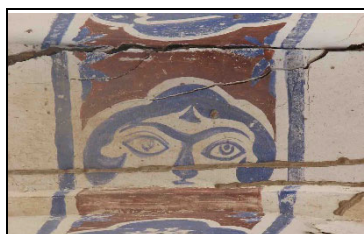
تصاویر ۱۵ و ۱۶: مصرعی از ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصاویر ۱۷ و ۱۸: بخشی از اشعار درویش بلبل یزدی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصاویر ۱۹ و ۲۰: بخشی از دعای ناد علی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصاویر ۲۱ و ۲۲: نمونه‌ای از نقوش انسانی تزئینی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

۱۷۲ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه نو یافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...



تصویر ۲۳ و ۲۴: تاریخ درج شده برای کتیبه (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصویر ۲۵: ترکیب‌بند محتشم کاشانی در کاشی‌کاری‌های بخش زینبیه تکیه معاون‌الملک کرمانشاه مربوط به اواخر دوره قاجار (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصویر ۲۷: نقش خورشیدخانم بر روی کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ قسمت عباسیه تکیه معاون‌الملک (نگارندگان، ۱۳۹۸)

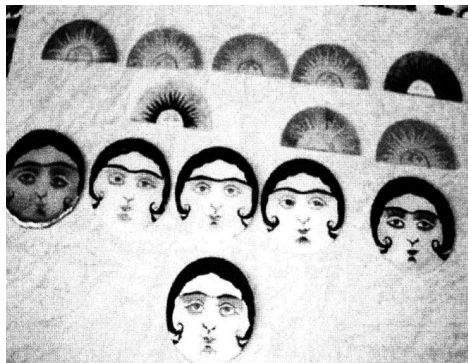


تصویر ۲۶: نقش شیر و خورشید در تکیه معاون‌الملک (نگارندگان، ۱۳۹۸)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۷۳



تصویر ۲۹: نقش خورشیدخانم بر روی کاشی‌های کاخ گلستان (پنجه‌باشی و فرهد، ۱۳۹۶: ۵۲۲)



تصویر ۲۸: نقاشی پشت شیشه در عمارت بادگیر کاخ گلستان مربوط به زمان فتحعلی‌شاه قاجار (حشمتی، ۱۳۸۶: ۸۳)



تصویر ۳۰: نقش خورشید خانم در بشقاب موزه میبد (منبع: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد)

۱۷۴ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه‌نویافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...



تصویر ۳۱: نحوه قاب‌بندی در حسینیه ناظم‌التجار (خاکباز الوندیان، ۱۳۸۶: ۱۳۸)



تصویر ۳۲: نمونه‌ای از قاب‌نماهای موجود در خانه ملک‌زاده (خاکباز الوندیان، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

منابع و مأخذ

- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- افشار، ایرج (۱۳۷۵)، *یادگارهای یزد*، ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، خانه کتاب یزد.
- پنجه‌باشی، الهه و فرنیا فرهد (زمستان ۱۳۹۶)، «خورشید و فرشته نمادی از زن در کاشی‌های کاخ گلستان»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره نهم، شماره ۴، صص ۵۱۱-۵۲۸.
- حبیبی، ناهید (شهریور ۱۳۹۷)، «سیر تطور بنای قبه‌الصخره تا قرن دوم قمری»، *ماهنامه آفاق علوم انسانی*، شماره ۱۷، صص ۱۷-۳۲.
- حشمتی، احمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، «مرمت عمارت بادگیر (مجموعه کاخ گلستان)»، *مجله اثر*، شماره ۴۲ و ۴۳، صص ۷۸-۸۸.
- خادم‌زاده، محمدحسن (۱۳۸۸)، *محلالت تاریخی شهر یزد*، تهران: نشر سبحان نور با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- خاکباز الوندیان، الهه (۱۳۸۶)، «معرفی و شناسایی نقاشی‌های دوره قاجار شهر یزد»، [گزارش منتشر نشده]. یزد: آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- خدیبوی، سیامک و ملیحه مهدی‌آبادی (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، «تغییرات در معماری و تزئینات تکیه معاون‌الملک کرمانشاه»، *مجله اثر*، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۰۰-۱۴۵.
- خسروی بیژانم، فرهاد (بهار ۱۳۹۸)، «شناسایی و معرفی خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق در بناهای دوره صفوی ایران»، *مجله نگره*، شماره ۴۹، صص ۳۹-۵۳.
- خسروی بیژانم، فرهاد، احمد صالحی کاخکی و ملیکا یزدانی (دی ۱۳۹۵)، «مطالعه فرمی و ساختاری کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجاری اصفهان و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه صفوی»، *مجله هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۶۵-۷۶.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۲۱)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: چاپخانه دانش.
- رمضانخانی، صدیقه (۱۳۸۷)، *هنر نساجی در شهر یزد*، تهران: نشر سبحان نور، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۶)، *معماری ایران از عصر صفوی تا عصر حاضر*، تهران: انتشارات سمت.
- شاه‌پروری، محمدرضا و محمد مهدی میرزاملینی (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «تجلی نقش خورشیدخانم در قالی ایران»، *مجله جلوه هنر*، دوره هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)، صص ۵۵-۶۶.
- شکاری نیری، محمدجواد (آبان ۱۳۹۷)، «سیری در معماری مدارس مکتب قزوین و گستره حوزه فرهنگی ایران»، *پنجمین همایش ملی معماری و شهرسازی در گذر زمان*، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، صص ۱-۱۷.
- شیخ‌الاسلامی، علی و محمدعلی عربی (خرداد ۱۳۸۱)، «نگاهی دوباره به دوازده‌بند محتشم»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره و شماره ۴ و ۵ (پیاپی ۵۹۱)، صص ۱-۱۰.

۱۷۶ / معرفی، بررسی و تاریخ‌گذاری کتیبه نویافته در بافت تاریخی شهر یزد / میردهقان اشکذری و ...

صالحی کاخکی، احمد، قباد کیان‌مهر، حمیدرضا قلیچ‌خانی و فرهاد خسروی بیژانم (پاییز ۱۳۹۵)، «دسته‌بندی شیوه‌های اجرای کتیبه‌های نستعلیق در تزئینات معماری دوره صفوی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۴۳-۱۵۹.

صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، *تذکره روز روشن*، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: انتشارات کتابخانه رازی.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۵، تهران: انتشارات فردوس.

فروه‌وشی، بهرام (۱۳۵۲)، *ایران‌ویچ*، تهران: دانشگاه تهران.

کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین

کاظمینی، میرزا محمد (۱۳۸۲)، *دانشنامه مشاهیر یزد*، ج ۱، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه‌الرسول.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، ج ۲۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی، رامونا (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، «نقش خورشید در هنرهای اسلامی»، *مجله نقش‌مایه*، سال اول، شماره ۲، صص ۵۱-۶۰.

معتقدی، کیانوش (پاییز ۱۳۹۵)، «مطالعه ویژگی‌های تاریخی، هنری و سبک‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق

سردر بناهای قزوین (دوره قاجار)»، *مجله چیدمان*، شماره ۱۵، صص ۲۸-۳۹.

موسوی حاجی، سید رسول و علی‌اکبر سرفراز (۱۳۹۶)، *نقش برجسته‌های ساسانی*، تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع لاتین

Carvajal, J. C. (2013), "Islamicization or Islamicizations? Expansion of Islam and social practice in the Vega of Granada (south-east Spain)", *World archaeology*, no.45(1), pp.109-123.

<http://karizyazd.blogfa.com/post/1733>

List of sources with English handwriting

- Afshar, Iraj (1996). *Yadegārhā-ye Yazd*, vol.2. Tehran: Anjoman-e Mafāker-e farhangī, k̄āneh-e Ketāb-e Yazd.
- Archives of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Yazd Province.
- Farahvashi, Bahram (1973), *Irānva`īj*. Tehran: University of Tehran.
- Habibi, Nahid (2017). The evolution of the Qobat ul-ṣaḳre until the second century A.H. *Māhnāmeh-e Āfāq-e Olūm-e Īnsānī*, 17, 17-32.
- Heshmati, Ahmadreza (2006). Restoration of Bādgir Mansion (Golestan Palace Complex), *Athar*, 28(42), 78-88. <http://karizyazd.blogfa.com/post/1733>
- Kāzemaynī, Mīrzā Moḥammad, (2003), *The Encyclopaedia of Yazd famous men*, Vol.1, *Bonyad-e fārhāngī pājohešī rāyhane al-rasoūl*.
- Khademzadeh, Mohammadhassan (2009). *Historical districts of Yazd city*. Tehran: Našr-e Šobḥān-e Noor in cooperation with Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.
- Khakbaz Alvandian, Elaheh (2007). Introduction and identification of Qajar period paintings in Yazd city. Unpublished report. Archives of the cultural heritage database of the historical city of Yazd.
- Khadivi, Siamak, Mahdiabadī, malīḥeh, (2007). Changes in the architecture and decorations of the Mo`āven -ol-Molk Takveh in Kermānšāh. *Aḳar*. 33 and 34,100-145.
- Khosravi Bizhaem, Farhad (2019). Identifying and Introducing of Nastaliq Inscriptions Calligraphers in Safavids Monuments of Iran. *Negārēh Journal*, 14(49), 39-53.
- Khosravi Bizhaem Farhad, Ahmad Salehi Kakhki, Melika Yazdani, (2016), The formal and structural study of nasta`līq inscriptions of Qajar mosques in Iṣfahān and comparison with similar examples of Safavid, *Honār-Ha-Ye-Zibā: Honār-Ha-Ye-Tājāssomi*, 21(4),65-76.
- Majlesī, Moḥammad Bāqer b. Moḥammad Taqī (1983), *Bīḥār ul-Anwār*, Vol.20, Beirut: Dār Eḥyā` al-Turāt ul-`Arabī.
- Moḥammad, Romona (2017), The figure of the sun in Islamic arts. *Naqšmayeh*. 1(2), 51-60.
- Mo`taqedi, Kianoush (2015), Studying the historical, artistic and stylistic characteristics of nasta`līq inscriptions on the facades of Qazvīn buildings (Qajar period), *Chidemān*, 15: 28-39.
- Mousavi Haji, Seyyed Rasool, Sarfaraz, Ali Akbar (2016), *Sassanian reliefs*. Tehran: Samt.
- Panjehbashi, Elahe, Farina, Farhad, (2017). Sun and Angel as Symbol of Woman in the Tiles of the Golestan Palace. *Journal of Woman in Culture Arts*, 9(4), 511-528.
- Ramzankhani, Seddiqe (2007) *Textile art in Yazd city*, Tehran: Našr-e Šobḥān-e Noor in cooperation with Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.
- Rezazadeh Shafaq, Sadeq (1942). *History of Iranian Literature*, Tehran: Chāpkhāneh Dāneš.
- Saba, Moulavi, Mohammad Mozafar, Hossein. 1964. *Tezkare roūz-e roūšān*. Islamic publication.
- Safa, Zabihullah (1989), *The history of literature in Iran and in the territory of the Persian language*, Volume 5, Section 2. Tehran: Ferdōūs.
- Salehi Kakhki, Ahmad, Qobad Kianmehr, Hamid Reza Ghelichkhani, and Farhad Khosravi (2016), "Categories practices of used techniques in nasta`līq inscriptions on Safavid architectural decoration." *Iran University of Science & Technology* 4, no. 3 (2016): 143-159.
- Shayestehfar, Mahnaz (2013). Reflecting the themes of Sūrah Youssef in the wall paintings of Abbāsiyeh Mo`āven -ol-Molk Tēkyeh in Kermanshah. *Māh-e Honar*. (159), 54-63.

- Shahparvari, Mohammad Reza, Mohammad Mehdi Mirzaamini, Manifestation of sun motif in Iranian carpet. *Jēlvēh Honār*. 8(15), 55-66.
- Shekari Niri, Mohammad Javad, (2017), A survey of Qazvīn school architecture and the extent of Iran's cultural sphere. The 5th National Conference on Architecture and Urban Planning in the Passage of Time. Imām Khomeīnī International University. 1-17.
- Shahparvari, Mohammadreza, Mirza Amini, Mohammad Mahdi (2015), Manifestation of khūršīd
- Sheikh al-Islami, Ali, Arabi, Mohammad Ali. (2002). A second look at Davāzdah Band Mohtašam, *Journal of Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran*. (591), 1-10.
- Zarei, Mohammad Ebrahim (2016) *Iranian Architecture: from Safavid Period to the Present*, Tehran: Samt.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

Introducing, reviewing, and dating the new inscription in the historical context of Yazd city¹

Seyyed Fazlollah Mirdehghan Ashkezari²
Yadollah Heydari Baba Kamal³

Received: 2021/04/28
Accepted: 2021/09/02

Abstract

The ideas and dates used in the inscriptions of historical monuments provide important clues about the history of construction and the political and administrative climate of the time. The inscription of Shaarbafi workshop dated 921 AD located in the ancient "Shah Abul Qasim" area of Yazd, is one of the most interesting examples in this field. Further study of the inscriptions and the designs that adorn them has naturally revealed that the date recorded does not correspond to the time when the inscription was executed. Therefore, the following essay will attempt to resolve the ambiguities and determine the exact nature of the inscriptions and using a historical-analytical method. The following are the main questions of current research: 1. Why is the recognized inscription not from the Safavid period? 2. To which epoch should the inscription be assigned on the basis of the data now available? The gap between the two frames is bordered with plant motifs, and this text is decorated with geometric, plant, animal and human motifs. The subjects of the inscriptions listed include words from the Quran, supplications, Arabic phrases, and Persian songs such as the well-known work of Mohtasham Kashani. Khursheed khanom (sun pattern) plays a role in two of them. The results of the study show that the function of khursheed khanom (sun pattern) and the way it is played, including curly hairstyles, continuous eyebrows, and large eyes, can be effectively compared with examples from the Qajar era. Moreover, Mohtasham Kashani, one of Shah Tahmasb's court poets, probably wrote his famous song at this time. The framing of the above inscription is comparable to that of the Malikzadeh house of the Qajar period or that of Hosseinieh Nazim al-Tojjar in Yazd. The added date can be considered unreliable for the reasons mentioned above, and it can be assumed that the inscription in question is from the Qajar period.

Keywords: Yazd city, Shah Abul Qasim neighborhood, Inscription, Dating, Historical evidence, Mohtasham Kashani.

1. DOI: 10.22051/hii.2021.32995.2316

2. Assistant Professor, Department of Iranology, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (corresponding author) s.mirdehghan@basu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran. Y.Heydari@tabriziau.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493